

منافع ایالات متحده و سازمان ملل متحد*

برگردان: مریم مرادی

درآمد

یکی از تأثیرگذارترین کشورها در ارتباط با سازمان ملل متحد، آمریکا است که در بحث اصلاحات در این سازمان نیز نقش ویژه‌ای دارد. بر این اساس بررسی سیاستها و اقدامات آمریکا در قبال سازمان ملل که برگرفته از منافع این کشور است، بسیار تعیین کننده می‌نماید. در واقع در ارزیابی دلایل شکست طرح کنونی اصلاحات در سازمان ملل نیز، سیاستهای آمریکا یکی از دلایل برجسته تلقی می‌شود. مقاله حاضر یکی از عناوین مجموعه مقاله‌هایی است که در قالب یک گزارش توسط مؤسسه صلح ایالات متحده تدوین شده است. این مؤسسه که مقر آن در واشنگتن دی.سی است درباره اقدامات و سیاستهای آمریکا در زمینه‌های صلح و جنگ فعالیت می‌کند. از مهم‌ترین فعالیتهای این مؤسسه تحقیق درباره ساز و کارهای سازمان ملل در ایجاد صلح است که گزارش حاضر یکی از فعالیتهای آن به شمار می‌رود. این گزارش، با عنوان منافع آمریکا و اصلاحات در سازمان ملل، در واقع کار ویژه‌ای درباره سازمان ملل است که منافع آمریکا و سازمان ملل، نجات انسان، حفاظت از حقوق بشر و پایان دادن به کشتار جمعی، نیاز به بازسازی: اصلاح سازمان ملل، ممانعت از مرگ

* مقاله حاضر برگردان نوشتار زیر است:

American Interests and UN Reform: Report of the Task Force on the United Nations, United States Institute of Peace, 2005.

و ویرانی: تروریسم فاجعه برانگیز و گسترش سلاحهای هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک، جنگ و صلح: ممانعت و خاتمه دادن به جنگها و کمک به مردم و ملتها: توسعه و کمکهای بشردوستانه از جمله مقالات آن است.

۱- امید آمریکاییان

یکی از منافع بنیادین دولت ایالات متحده تضمین ایمنی مردم آمریکا و متحدین دموکرات آن است تا تعهدات این کشور را در مقابل آزادی و رونق اقتصادی حفظ، حمایت و توسعه دهد. ایالات متحده پس از جنگ دوم جهانی، رهبری ایجاد شبکه‌ای از نهادهای جهانی را به عهده گرفته که هدف آن حفاظت از امنیت آمریکا از طریق پیشگیری از مناقشه‌ی دیگری بوده است که بنا به گفته پریزیدنت روزولت از طریق کمک به سایر مردم برای نیل به امنیت، بهداشت، رونق و آزادی به عنوان یک همسایه خوب تحقق می‌یابد.

به اعتقاد نسل گذشته، یک جهان بهتر ثروتمندتر و آزادتر برای خود آمریکا نیز بهتر است. ایالات متحده آمریکا و دموکراسیهای متحد آن نهادهای برتن وودز مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را برای کاهش فقر و مصایب انسانی ایجاد کردند تا بدان وسیله رشد اقتصادی را تقویت نموده و فرصت مناسبی را در اختیار جهانیان قرار دهند

و از آن نوع بی‌ثباتی اقتصادی که در گذشته

منازعات را برافروخته بود، پیشگیری نمایند. بنیان‌گذاران سازمان ملل متحد تصمیم گرفتند نسلهای آینده را از صدمات جنگ نجات داده و اعتماد به حقوق بشر بنیادین را بازگردانند.

از آن زمان تاکنون، سه نسل آمریکاییان ثابت کرده‌اند که نه تنها حاضرند هزینه‌ها، خطرات و بار رهبری دنیا را به عهده بگیرند بلکه این واقعیت را به خوبی شناخته‌اند که همکاری و هماهنگی با دیگران تنها راه صحیح انجام امور است. آمریکاییان سابقه‌ای طولانی در ادغام منافع فردی با منافع و اعمال همکارانه دارند. آمریکاییان علاوه بر رهبری تلاشها در جهت تأسیس سازمان ملل و حفظ و حمایت این سازمان به عنوان بزرگ‌ترین نهاد بین‌المللی، در جهت گردهم‌آوردن ملتها و نهادها برای توسعه امنیت و کیفیت زندگی برای آمریکاییان و دیگران کار کردند. حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر باعث شد ماهیت درهم تنیده مشکلات جهانی تقویت شود. امروزه ما کاملاً آگاهیم که میلیونها نفر از گرسنگی، بیماری و خشونت رنج می‌برند و امیدی به آینده ندارند و این مسائل نه تنها جنبه انسانی دارد بلکه چالشهایی در سطح امنیت ملی است.

آمریکاییان همیشه امیدوار بوده‌اند سازمان ملل متحد بتواند نقش مهمی را در جستجوی جهانی بهتر ایفا نماید. این انگیزه‌ها که توسط

کنگره ایالات متحده آمریکا طراحی و ایجاد شده، باعث گردیده ما بتوانیم به سازمان ملل متحد کمک کنیم تا اهداف منشور خود را بهتر تشخیص دهد، چرا که ما معتقدیم یک سازمان ملل متحد مؤثر در راستای منافع آمریکاست. از ما خواسته شد تا این موضوع را صرفاً از دیدگاه آمریکا مورد توجه قرار دهیم. ما این کار را کرده‌ایم. فرض ما این نیست که از جانب دیگران سخن بگوییم یا در خطاب به آنان سخن برانیم. مردم سایر کشورها می‌توانند تصمیمات خود را بگیرند؛ اما ما معتقدیم امیدها و آرمانهایی که مردم آمریکا برای سازمان ملل دارند همانا امیدهای سایر مردمان است. گروه کاری^۲ سازمان ملل متحد در همین رابطه، ایجاد شده و به هنگام تهدیدها و چالشها به کار گرفته می‌شود.

سازمان ملل می‌تواند در جهت دموکراسی، ترفیع حقوق بشر، خودکفایی اقتصادی و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات ایفای نقش نماید. از نظر دولت ایالات متحده آمریکا، سازمان ملل متحد بالقوه می‌تواند نقشهای بسیار مهمی را که

در راستای منافع، اهداف و ارزشهای آمریکا است، ایفا نماید.

مشروعیت

برای بسیاری از مردم دنیا سازمان ملل متحد، مهر مشروعیت و اجماع تلقی می‌شود. آمریکاییان نظرات مختلفی در خصوص اهمیت مهر تأیید

مساعی دیپلماتیک

در مواردی سازمان ملل متحد می‌تواند جهت میانجیگری در حل و فصل اختلافات بین دولتها به طور مؤثر عمل نماید. بر همین منوال در هر موردی که لازم باشد دستاورد یک عمل، مهر تأیید سازمان ملل را داشته باشد دولتها و

2. Task Force

سازمانهای بین‌المللی بسیار مایل خواهند بود حمایت خود را در مقابل آن عمل ارائه نمایند، خواه به شکل پول، نیرو و یا حمایتی بشردوستانه.

کارشناسی خاص

سازمان ملل و نهادهای وابسته به آن دارای کارشناسیهای عدیده می‌باشند. این کارشناسیها می‌تواند شامل ارائه کمکهای کارشناسی در دولت‌های انتقالی جهت برگزاری انتخابات، نظارت بر انتخابات و کمک به آوارگان و ارائه کمکهای بشردوستانه، پیشگیری از شیوع بیماری، تقویت بهداشت و کیفیت زندگی مردمان فقیر جهان باشد.

اهرمها

وقتی سازمان ملل متحد و نهادهای آن به طور مؤثر فعال باشند این سازمان می‌تواند هزینه‌ها را سرشکن کرده و به اهداف خود نزدیک‌تر شود. مثلاً می‌تواند در رقابت‌های ملی جهت نیل به اهداف بشردوستانه مؤثر واقع شود و به طور ایده‌آل می‌تواند در مواردی که ایالات متحده بیشترین هزینه و بار مالی را به عهده دارد از طریق مشارکت سایر کشورها آنها را در پرداخت هزینه شریک سازد.

۲- چالشها

حمایت مردم آمریکا از ایده‌آلهای منشور سازمان

ملل در طول تاریخ بسیار قوی بوده است اما دیدگاه آنها به این نهاد در سالهای اخیر تغییر یافته است به ویژه به دنبال عدم موفقیت شورای امنیت در رسیدن به توافقی درخصوص عراق و بر ملا شدن مدیریت ناصحیح سازمان ملل و رسواییهای مالی در آن سازمان این مسئله بیشتر دیده می‌شود. اعتبار این سازمان همچنین به علت عملکرد یکی از نهادهای وابسته به سازمان ملل، از جمله مجمع عمومی، کمیسیون حقوق بشر و نشستهایی که در سطح گسترده راجع به آنها مطالبی انتشار یافته مانند کنفرانس جهانی ۲۰۰۱ علیه نژاد پرستی در دوربان^۳ که منافع غیرلبرالی و ضد دموکراتیک به شدت حاکم بود، به شدت آسیب دیده است.

رویدادهای پانزده سال گذشته، سازمان ملل را به چالش کشیده است و کشورهای عضو نتوانسته‌اند با خطرات و تقاضاهای بسیار مختلف خود را وفق دهند: مسئله دولت‌های ناموفق، تروریسم، ضرورت اقدامات مؤثر برای پیشگیری از نسل‌کشی و ارتقاء دموکراسی و قواعد قانونی چالش‌هایی بوده است که سازمان ملل و دولت‌های عضو آن سازمان در مواجهه با آنها ناموفق بوده‌اند. در برخی موارد ارگانها و نهادهای سازمان ملل اقتدار کافی یا تشکیلات مؤثر جهت مقابله با این خطرات جدید و چالش‌ها را نداشته‌اند. در مقابل این کمبودها نیاز مبرم به مسئولیت‌پذیری، شفافیت و کارایی

3. Durban

وجود دارد، مضافاً اینکه مأموریت جدید سازمان ملل تغییر یافته و از حالت برگزار کننده اجلاس به هماهنگ کننده اقدامات، یعنی از حرف به عمل تغییر یافته است.

گروه کاری سازمان ملل در طرح خود برای بازسازی و اصلاحات سازمان ملل می گوید سازمان ملل نهادی مرکب از دولت - ملت‌های جداگانه است. اما غالباً خود این دولت‌ها هستند که از یک طرف عملیات دخالت آمیز سازمان ملل را پیشگیری می کنند و از طرف دیگر آن سازمان را نکوهش می کنند. در مورد متوقف کردن نسل کشی عبارت «سازمان ملل ناکام بود» باید این گونه تفسیر و تعبیر گردد که «کشورهای عضو سازمان ملل اقدامات سازمان ملل را بلوکه کردند». بنابراین سرانجام این طور استدلال شده است که گویی سازمان ملل می بایستی نکوهش گردد. در این صورت سازمان ملل به عنوان ابزاری نامعلوم و نامطمئن برجا خواهد ماند مگر اینکه این مسئله به شدت تغییر یابد. به گونه ای که هم برای دولت‌های عضو و هم برای دولتهایی که به عنوان ناجی و منجی به آنجا چشم دوخته اند، ناموفق جلوه کند.

نسل کشی و جنگ در منطقه دارفور^۴ سودان در حال اتفاق است. شورای امنیت تاکنون چندین قطعنامه ملایم صادر کرده است. اما نه سازمان ملل به عنوان یک نهاد و نه اعضا آن هیچ یک قادر به پیشگیری از نسل کشی نبوده اند. برعکس تلاش‌های دائمی نیز همواره

بوده است که از به کار بردن الفاظ قتل عام مردم اجتناب شود؛ چرا که این گونه تعبیر و تفسیر مستلزم اقداماتی است که بسیاری از اعضا سازمان ملل از آن اجتناب می کنند.

بسیاری از عملیات صلح دوستانه سازمان ملل یا مأموریت‌های غیر نظامی سازمان ملل که با حمایت «ائتلافی از کشورهای داوطلب» تحت فرماندهی یک کشور یا منطقه صورت گرفته است، به عنوان مثال از نامیبیا تا سیرالئون و از کامبوج تا مقدونیه و کوزوو همگی باعث شده تا ثبات، توسعه سیاسی و اقتصادی به این مناطق به ارمغان بیاید. در برخی از موارد مانند سیرالئون و تیمور شرقی، پیشرفت در تقویت مأموریت‌ها فقط هنگامی حاصل شد که شورشیان به نیروهای حافظ صلح حمله کردند و ساکنین این مناطق در معرض قتل عام قرار گرفتند. به علاوه قتل عام در رواندا، سربرنیکا و بوسنی نیز زمانی انجام گرفت که نیروهای حافظ صلح در آنجا بودند. در هر دو مورد ساکنین از جامعه جهانی توقع دخالت داشتند.

افتتاح دفتر کمیسیون عالی حقوق بشر، اهمیت حقوق بشر را ارتقا بخشیده است. اما اعتبار کمیسیون حقوق بشر به شدت کاهش یافته است. در سال ۲۰۰۵، شش کشور از ۵۳ کشور عضو کمیسیون حقوق بشر «بدترین» وضعیت حقوق بشر را دارا هستند.

دموکراسیها و ملت‌هایی که به سوی دموکراسی

در حرکت هستند سهم عمده‌ای از کشورهای عضو را تشکیل می‌دهند اما این کشورها هنوز باید خود را سازماندهی کرده و به طور مؤثر در درون سیستم سازمان ملل برای تقویت منافع و ارزشهای مشترک فعالیت نمایند. کشورهای دموکراتیک منافع بنیادین خود همچون حقوق بشر را به نفع همبستگی منطقه‌ای قربانی می‌کنند. جنبش به اصطلاح غیر متعهدها که محصول جنگ سرد است همچنان به عنوان مانعی بزرگ در مقابل توسعه اقتصادی، حمایت از حقوق بشر و ترویج دموکراسی تلقی می‌شود. سازمان ملل قادر نبوده است اصلاحات ساختاری مورد نیازش را انجام دهد. بدون اصلاحات ساختاری و بنیادین، شهرت و اعتبار سازمان ملل صدمه خواهد دید.

را داشته باشد، بستگی خواهد داشت. این یک فرآیند پیچیده است چرا که هر دموکراسی منافع و سنتهای خود را دارا خواهد بود. داشتن اجماع نظر با یکدیگر در خصوص مسائل کلیدی جهانی مستلزم تلاشهای فراوان از ناحیه ایالات متحده آمریکا خواهد بود که به عنوان مرکزیت قانون‌گرایی، حقوق بشر و توسعه اقتصادی می‌تواند دموکراسیهای مختلف را با هم متحد نماید.

امروزه دموکراسیها و کشورهایی که به سوی دموکراسی در حرکت هستند ۱۹۱ کشور را تشکیل می‌دهند. اما دموکراسیها به طور مؤثر در سازمان ملل سازماندهی نشده‌اند. ناکامی و قصور اروپا و آمریکا در همکاری نزدیک با یکدیگر یک مشکل اساسی است. شکاف فرآتلاتنیکی فرصتی را برای آن دسته از کشورها ایجاد می‌کند که مانع پیشرفت سازمان ملل باشند. چالشها و مشکلاتی که سازمان ملل با آن مواجه است قابل رسیدگی است اما فقط باید از طریق تلاشهای مداوم و هماهنگ دموکراسیهای واقعی جهان باشد. اصلاحات مؤثر و ژرف قابل حصول است اما فقط زمانی که ائتلافی از دموکراسیها انجام گیرد و ایالات متحده آمریکا در میان آنها باشد تا یک سازمان ملل مسئولیت‌پذیر، شفاف و صادق و مؤثر ایجاد گردد.

تلاشهای موفق آمریکا همچنین مستلزم آن است که رهیافت واشنگتن مبتنی بر فعالیت هر دو حزب دموکراتها و جمهوری خواهان باشد.

۳- راه حلها

موتور اصلاحات سازمان ملل به سهولت قابل شناسایی است. اما مکانیزمهایی که بتوان با آنها موتور مذکور را به کار انداخت، به علت راهها و شیوه‌هایی که کشورهای عضو پیش گرفته‌اند، بسیار دشوار می‌باشند. انجام اصلاحات واقعی مستلزم تلاشهای ۳۶۵ روزه در طول سال است تا بتوان استدلالهای اساسی را پیش برده و ائتلافی بین دموکراسیها برقرار کرد تا به واسطه آن بتوان به این نتیجه رسید که آینده نهادهای بین‌المللی به انجام اصلاحاتی که معیارهای بالایی از صداقت، مسئولیت‌پذیری و شفافیت

شکاف مستمر بین دو حزب هرگونه تلاش آمریکا را برای ایجاد اصلاحات در سازمان ملل عقیم خواهد کرد، مضافاً می‌بایستی قوای مجریه و مقننه هر دو در انجام اصلاحات سازمان ملل درگیر شوند تا آمریکا یک موضع متحد در رابطه با سازمان ملل داشته باشد.

اصلاحات سازمان ملل در سطوح عدیده ضروری است. اولاً و مهم‌تر از همه این مسئله است که مالیات دهندگان آمریکایی که ۲۲ درصد بودجه «عادی» سازمان ملل و میلیاردها دلار به صورت هزینه‌های مازاد به سازمان ملل می‌پردازند خواهان یک نهاد کاملاً شفاف،

مسئول و مؤثر هستند. اصلاحات همچنین برای یکپارچگی مستمر خود سازمان حیاتی است. در حالی که برخی از نهادهای سیستم سازمان ملل مؤثر و مقرون به صرفه هستند، بسیاری از نهادهای دیگر آن دیوان سالارانه بوده و فاقد شفافیت، مسئولیت‌پذیری و کارایی مؤثر می‌باشند. در سطح عملیاتی باید سازمان ملل تغییر یابد تا چالشهای امروزه و اهداف مندرج در منشور سازمان ملل را اجابت نماید.

در هیچ موردی به اندازه موارد مربوط به نسل‌کشی، قتل عام و نقض حقوق بشر این استراتژیها ضروری نیست. مردم آمریکا قویاً از سازمان مللی که در این زمینه‌ها مؤثر باشد، حمایت خواهند کرد و برعکس سازمان مللی را که در این زمینه‌ها قصور نماید ترک خواهند کرد.

۴- پیشگیری از نسل‌کشی و نقض حقوق

بشر

ایالات متحده آمریکا صدای مؤثری برای

حمایت از ارتقای آزادی و دموکراسی در سراسر

جهان بوده است. آمریکاییان بابت آزادی خود

و آزادی دیگران خون بهایی را در طول یکسری

جنگهای طولانی مدت پرداخت کرده اند.

دولت ایالات متحده آمریکا تأکید دارد که هر

دولتی مسئول حفاظت از شهروندان خویش بر

طبق اصول زیر است:

حاکمیت به مردم یک کشور تعلق دارد و

دولتها مسئول حفاظت از مردم خود می باشند.

چنانچه دولتی در مسئولیت اولیه خود به حفاظت

از جان مردمان خود قصور نماید و در حوزه

صلاحیت خود نتواند از نسل کشی، قتل عام و

نقض حقوق بشر پیشگیری نماید، آن گاه

نمی تواند در برابر دخالت، به اصل مصونیت

استناد نماید (براساس اصل عدم دخالت در

امور داخلی کشورها).

در برخی موارد سلب مسئولیت دولت در

مقابل مردم چنان شدید می شود که مسئولیت

جمعی دولتها برای انجام اقدامات مقتضی غیر

قابل انکار می گردد. شورای امنیت سازمان ملل

باید در این قبیل موارد اقدام نماید. چنانچه

شورای امنیت قصور نماید قصور آن نباید به

عنوان بهانه ای برای اعضا آن جهت اجتناب از

اقدامات حمایتی تلقی گردد.

دولت ایالات متحده آمریکا باید از شورای

امنیت سازمان ملل و مجمع عمومی بنخواهد تا

دولتهایشان از شهروندان خود حفاظت کنند.

آنان که در قتل عام سهیم هستند باید بفهمند که

آنها شناسایی شده و مسئول خواهند بود.

شورای امنیت

گروه کاری در خصوص جزئیات افزایش اعضای

شورای امنیت به نتیجه نرسید اما مشخص

است که هرگونه افزایشی در اعضای شورای

امنیت باید به کارآیی بیشتر شورا کمک کرده و

به هیچ وجه مانع کارآیی آن نشود و از توانایی

شورای امنیت وفق منشور ملل متحد نکاهد.

دارفور

از زمان نسل کشی رواندا در سال ۱۹۹۴ هیچ

موردی مانند آنچه که امروزه در منطقه دارفور

سودان اتفاق می افتد، نبوده است. گروه کاری

موافق با نظرات پرزیدنت بوش و وزیر خارجه

سابق آمریکا کالین پاول است که اتفاقات

دارفور را باید «نسل کشی» نامید. در ژانویه سال

۲۰۰۵ یک پژوهش انجام شده توسط کمیسیون

بین المللی سازمان ملل چنین نتیجه گرفت که

دولت سودان و شورشیان جان جاویر مرتکب

جنایت علیه بشریت و جرایم جنگی شده اند،

به طوری که وخامت آن را نمی توان کمتر از

نسل کشی دانست. زنگ اصلاح سازمان ملل با

صدای ضعیف به گوش می رسد حال آنکه

کشتار و جرایم جنگی افسار گسیخته ادامه دارد.

دولت ایالات متحده باید این نکته را روشن

کند که مسئولیت نسل کشی در دارفور به عهده

دولت خارطوم است. اقدامات اتفاقی جهت

پیشگیری از مرگ انسانها نمی تواند یک راه حل باشد. در دراز مدت، تنها حمایت مطمئن از مردم سودان به ایجاد سودانی دموکراتیک کمک می کند که دولت آن به حقوق کلیه مردم سودان احترام بگذارد.

دولت ایالات متحده باید مجموعه ای از کمکهای گروه کاری را در دارفور برای سازمان وحدت اروپا مستقر نماید تا به عنوان «نیرویی چندوجهی» عمل کند. جایگاه منطقی این کمکها نیز سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) می باشد. ایالات متحده باید به ایجاد یک منطقه «پرواز ممنوع» بر فراز دارفور کمک نماید. خاطر نشان می کنیم که این کمک به منزله استقرار نیروهای آمریکایی در جنگ سودان می باشد. دولت ایالات متحده آمریکا باید پافشاری کند که توطئه کنندگان به عنوان مجرمین جنگی و جرایم علیه بشریت مسئول خواهند بود.

حقوق بشر

در سال ۱۹۴۴ وقتی رهبران دنیا در دمبرتن اوکس گردهم آمدند تا منشور سازمان ملل را تدوین نمایند، فرانکلین روزولت، استدلال کرد که باید در منشور سازمان ملل اشاره ای به حقوق بشر بشود. علی رغم پیشرفتهایی که در سراسر دنیا در مورد حقوق بشر انجام گرفته است لیکن هنوز سازمان ملل نتوانسته است آن طور که روزولت امیدوار بود در زمینه حقوق بشر فعالیت کند.

در واقع کمیسیون حقوق بشر که در آن ۵۳ کشور عضویت دارند چنان بی قواره شده است که حتی کشورهایی که بدترین سابقه حقوق بشر را دارند- مانند سودان، سوریه، زیمبابوه، لیبی و کوبا همگی در آن، جا دارند. امروزه دولت سودان، که شاهد عمل نسل کشی در خاک خود است، برای دومین دوره متوالی در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل عضویت دارد.

بنابراین گروه کاری توجیه می نماید که کمیسیون حقوق بشر منحل گردد. کلیه فعالیتهایی که در حال حاضر در حوزه کمیسیون انجام می گیرد، باید خاتمه یابد. این توجیه با ارزیابی دبیرکل سازمان ملل مطابقت دارد. به جای آن دولت ایالات متحده آمریکا می بایستی از ایجاد یک شورای حقوق بشر حمایت نماید، یعنی نهادی که به طور ایده آل مرکب از دموکراسیها می باشد که به حفظ و ارتقا بالاترین معیارهای حقوق بشر متعهد بوده و تلاشهای خود را با نهاد زیر هماهنگ کند: گروه دموکراسی و صندوق دموکراسی سازمان ملل. ایالات متحده، باید دفتر کمیسیون عالی حقوق بشر را تقویت نماید.

۵- توسعه و کمکهای بشردوستانه

سخن گفتن از نیازهای جهان در حال توسعه

کار ساده‌ای نیست، یعنی چالشی اساسی برای یک میلیارد مردم کشورهای ثروتمند در مقابل پنج میلیارد مردم کشورهای فقیر. قریب ۱۵ میلیون نفر هر ساله از بیماریهای عفونی و میکروبی می‌میرند. بنابراین بهتر است اولویت توسعه، بهداشت و آموزش در سراسر دنیا باشد. ایالات متحده در طول چهار سال گذشته به شدت به تعهدات خود در بهبود بخشیدن به گرفتاریها و توسعه اقتصادی ۴۰ درصد جمعیت جهان که در فقر به سر می‌برند افزوده است. سازمان ملل متحد نقش مهمی را در این تلاشها ایفا کرده است. برنامه‌های توسعه سازمان ملل باید در جهت برطرف کردن ایدز و ایجاد امنیت طراحی شود. سرمایه‌گذاری خصوصی و اصلاحات حقوقی، اقتصادی و سیاسی برای شکوفایی اقتصادی به مراتب مهم‌تر از ارائه کمک از طریق دولت و انتقال سرمایه است. ارائه کمک برای توسعه به خودی خود یک هدف نیست بلکه ابزاری برای ملتهاست که شرایط جذب سرمایه را ایجاد نمایند. این شرایط عبارت است از تعهد به بازار آزاد، ارائه خدمات عمومی در سطح بهینه، قوانین محکم و توسعه بنیادین نهادهای دموکراتیک. سازمان ملل و نهادهای تخصصی آن علاوه بر کمکهای دولتی باید این اصل را پذیرا باشند که انتقال سرمایه از طریق بخش خصوصی عامل اصلی رشد اقتصادی پایدار و متضمن فقرزدایی است. ایالات متحده آمریکا بزرگ‌ترین سهم

کمک‌رسانی را به سازمان ملل دارد و به عبارت دقیق‌تر بزرگ‌ترین اعطاکننده کمکهای اقتصادی برای توسعه در جهان است. کمکهای مربوط به توسعه دولت آمریکا در طول چهار سال گذشته تقریباً دو برابر شده است. اگر برحسب درآمد سرانه محاسبه کنیم، ایالات متحده بزرگ‌ترین و یا دومین کشور بزرگ اعطاکننده کمک پس از ژاپن است. سازمان ملل متحد به درستی دریافته است که در طول سالهای گذشته کمکهای اقتصادی برای توسعه کشورهای در حال رشد بی نتیجه بوده و هدف اولیه آن برای کاهش فقر و ارتقارشد اقتصادی به نتیجه مطلوب نرسیده است.

با توجه به مراتب فوق، دبیرکل سازمان ملل پیشنهاد کرده است که کشورهای اعطاکننده کمکهای مالی باید سقفی ۰/۷ درصدی از درآمد ناخالص ملی را به منظور کمک در نظر بگیرند. گروه کاری در مورد اینکه آیا ۰/۷ درصد درآمد ناخالص و شرایط آن را بپذیرند یا خیر به توافق نرسید. اما آنچه همه در مورد آن موافقت کردند این بود که کلیه ملل توسعه یافته باید اولویت را به آموزش و پرورش، بهداشت و فرصتهای اقتصادی در امور بین‌المللی بدهند. از این حیث، گروه کاری از سازمان ملل می‌خواهد اقدامات بهتری را برای ارزیابی کارایی کمک در ملل دریافت‌کننده اتخاذ نماید. این امر کشورها را تشویق و ترغیب می‌نماید که خط‌مشیهای لازم را جهت نیل به رشد اقتصادی

واقعی و توسعه اتخاذ نمایند.
گروه کاری چشم انتظار روزی است که کشورهای توسعه یافته، علاوه بر اصلاحات نهادی به آموزش و پرورش و فرصتهای اقتصادی توجه کنند.

۶- همگرایی، شفافیت، مسئولیت پذیری و کارایی

نیاز به اصلاحات درونی سازمان ملل هرگز تا این اندازه مشهود و اضطراری نبوده است. سیستمهای مدیریتی که در سراسر جهان در نهادهای عمومی و خصوصی معمول هستند عملاً در سازمان ملل یافت نمی شود. برنامه نفت در برابر غذا با آمیزه ای از بی کفایتی، سوء مدیریت شدید و به اصطلاح فساد و جرم همراه بوده است.

عدم نظارت مؤثر، شهرت و اعتبار دبیرخانه سازمان ملل و دبیرکل سازمان ملل و اعضا شورای امنیت را خدشه دار کرده است. دامنه و حجم برنامه های اضافی سازمان ملل را به شدت تحت فشار قرار داده است. به وضوح، سازمان ملل متحد برای مدیریت چنین برنامه هایی آمادگی ندارد و قبل از اینکه چنین پروژه ای بار دیگر به عهده سازمان ملل گذاشته شود، باید اصلاحات مهم صورت گیرد.

گروه کاری برنامه ای اصلاحی که شامل پنج جزء زیر است را توصیه می نماید:

۱- ایجاد هیئتی دیده بان مستقل که کلیه

اختیارات کمیته اجرایی تحت استانداردهای آمریکا را داشته باشد.

۲- تفویض قدرت و اختیارات به دبیرکل جهت جایگزینی مقامات عالی رتبه اش، ایجاد یک پست ریاست اجرایی، ایجاد یک سیستم پرسنلی مدرن تحت مدیریت یک دپارتمان مربوط به منابع انسانی که بتواند حسن انجام کار را ارزیابی نماید. چنین اقداماتی فرصتهایی را برای شاغلین واجد شرایط ایجاد می کند که می توان مستخدمین مازاد بر احتیاج یا کم کار را بازنشسته کرد و فقط کارمندان واجد شرایط را به استخدام درآورد.

۳- ایجاد خط مشیهای مؤثر برای پیشگیری از شایعه پراکنی و برقراری استانداردهای اخلاقی و محرمانه برای مأمورین عالی رتبه و ایجاد شفافیت.

۴- مقرر ساختن برنامه ها و فعالیتهای بازنگری که به واسطه مجمع عمومی سازمان ملل پیش بینی می شود.

۵- شناسایی برنامه های اجرایی که بتواند از طریق سرمایه گذاریهای کاملاً داوطلبانه به اجرا درآیند.

۷- پیشگیری و خاتمه دادن به منازعات و درگیرها

نیروهای حافظ صلح سازمان ملل مهم ترین منبع فعال سازمان ملل هستند. طی دو دهه

گذشته سازمان ملل متحد در زمینه فعالیتهای حفظ صلح رشد و تغییر شکل عمده داشته است. در واقع بین سالهای ۱۹۴۸ و ۱۹۹۰ سازمان ملل هجده عملیات حفظ صلح انجام داده است و بین سال ۱۹۹۰ تا امروز شورای امنیت با حمایت ایالات متحده آمریکا بیش از چهل عملیات حفظ صلح آغاز کرده است. همچنین تا اواخر ماه مارس سال ۲۰۰۵ تقریباً ۷۰ هزار نیروی نظامی بین‌المللی که در هفده عملیات حفظ صلح شرکت کرده بودند، وجود داشت. بودجه مصوب برای دوره پایانی ۳۰ ژوئن سال ۲۰۰۵ نیز قریب ۴ میلیارد دلار بود. (و احتمالاً برای سال ۲۰۰۶-۲۰۰۵ افزایش قابل ملاحظه‌ای خواهد داشت).

اگرچه در طول سالهای گذشته عملیات حفظ صلح موفقیت‌آمیز بوده است لیکن تلاشهای جاری به علت ظرفیت محدود چالشهای اجرایی و دستورالعملهای ناکافی موفق نبوده‌اند. در سالهای اخیر مسئولین عملیات حفظ صلح سازمان ملل مسئولیت گسترده‌ای در رابطه با اثبات‌سازی صلح و بازسازی در جوامعی که از منازعات بیرون آمده بودند، داشته‌اند.

حافظان صلح سازمان ملل و هم قطاران غیرنظامی آنها اساساً مکلف بودند، کمک نمایند تا جوامعی که از درگیریهای داخلی خلاصی یافته بودند، بازسازی شده و به مذاکرات مربوط به موافقتنامه‌های صلح، اصلاح بخشهای

امنیتی، ارتقا‌تشنج‌زدایی سیاسی و حکومتمداری دموکراتیک کمک نمایند و همچنین نظام عدالت و دادگستری را بازسازی کنند. این مأموریتها اساساً از مأموریتهای حفظ صلح سازمان ملل که در گذشته به صورت سنتی انجام می‌گرفت کاملاً متفاوت بوده و مشکلات و چالشهای جدیدی را ایجاد کرده است. مضافاً اعتبار حفظ صلح سازمان ملل به شدت در اثر افشاگریهای انجام شده در رابطه با سوء استفاده‌های جنسی در عملیات سازمان ملل در کنگو و نقاط دیگر خدشه دار شده است. کشورهای عضو نیروی حافظ صلح به شدت نگران این نوع افشاگریها بوده و معتقدند که تلاشهای مربوط به اصلاحات می‌بایستی یک طرح مؤثر و تعهد گسترده‌ای را در سطح کلان برای ختم این سوء استفاده‌ها شامل شود.

گروه کاری چنین تشخیص می‌دهد که سازمان ملل نمی‌تواند برای اجرای عملیات حفظ صلح دراز مدت و موفق امیدوار باشد. گروه کاری برای رسیدگی به این مسئله، توجه می‌نماید که اداره عملیات حفظ صلح (DPKO) یک برنامه مستقل تر با قواعد و مقررات مناسب برای مسئولیت‌های اجرایی جهت مأموریت‌های حفظ صلح جامعه است. سازمان ملل همچنین باید قویاً تعهد خود را در قبال پایان سوء استفاده‌های جنسی توسط مأمورین حفظ صلح به اثبات برساند. کشورهایی که قادر و مایل نیستند انضباط بین نیروهای خود را برقرار

نمایند باید از آوردن نیرو به عملیات حفظ صلح محروم شوند. از طرف دیگر علاوه بر ارتقا پرسنل عملیات حفظ صلح، سازمان ملل باید دکتترین و استراتژی عملیات چند بعدی صلح را ایجاد نماید تا بعد امنیت را با نیازهای اقتصادی و سیاسی ذی ربط به طور کلی همگرا نماید. گروه کاری با ایجاد یک نیروی نظامی ثابت سازمان ملل مخالف است اما کشورهای عضو باید نیروهای توانمند خود را در دسترس قرار داده، آنها را به خوبی آموزش دهند و مجهز نمایند تا اینکه در صورت نیاز، نیروهای واکنش سریع عملیات صلح انجام دهند. به علاوه وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا باید ابزارهای مازادی را برای حمایت از عملیات صلح سازمان ملل با تدارکات، کمکهای ظرفیت سازی و سایر ابزارها تهیه نماید. بالاخره دولت بوش باید تسهیلاتی را برای آموزش نیروهای آفریقایی از طریق ابتکار عملیات صلح جهانی که در گردهمایی سران گروه هشت (G-8) در سال گذشته اعلام شد، فراهم نماید.

با اشاعه سلاحها و تروریسم باید به صورت چشمگیر به واسطه همکاری بین المللی گسترده صورت گیرد اگرچه این گونه همکاری گاهی می تواند خارج از سازمان ملل به صورت مؤثر و مناسب پی گیری شود. (مثلاً از طریق اقدامات یک جانبه یا ائتلاف موقت یا رسمی تر بین دولتها). لیکن سازمان ملل متحد و سازمانهای ذی ربط می توانند بخصوص با توجه به گستردگی اعضا و اقتدار و توانایی موجود در اختیار آنها، بسیار مؤثر عمل کنند.

با عنایت به مراتب فوق گروه کاری پیشنهاد می نماید که شورای امنیت یک نقش تهاجمی در تضمین نظارت و اجرای تعهدات عدم اشاعه سلاحها ایفا نماید. ایالات متحده باید در داخل شورای امنیت برای بهبود کارایی کمیته مبارزه با تروریسم شورای امنیت تحت قطعنامه ۱۳۷۳ این شورا پافشاری نماید. آمریکا باید فهرستی از کشورهای حامی ترور را در اختیار عموم قرار دهد، این فهرست باید شامل کشورهای باشد که در ارائه تلاشهای کافی برای سرکوب تروریسم قصور می نمایند، از خاک آنها تروریسم نشئت می گیرد و اطلاعاتی که در خصوص سازمانهای تروریستی و یا افراد دارند را مبادله نمی کنند.

گروه کاری چنین نتیجه گرفته است آژانس بین المللی انرژی اتمی (IAEA) باید رهیافتی سرسختانه ای را برای نظارت اتخاذ نماید و توجه خود را به تعهدات ناشی از بازیگران

۸- پیشگیری از تروریسم

تروریسم و اشاعه سلاحهای هسته ای، بیولوژیک و شیمیایی تهدیدهای مهلکی هستند که در قرن ۲۱ به عنوان بدترین کابوس جهان شناخته شده اند. آنها کهنه ترین چالش امنیتی برای ایالات متحده و جامعه بین المللی هستند. قضاوت اساسی گروه کاری این است که تقابل

فرجام

غیردولتی معطوف نماید. ایالات متحده و سایر اعضای این آژانس باید قویاً این آژانس را تشجیع نمایند تا اهمیت بیشتری به امنیت هسته‌ای بدهد. نهایتاً آژانس و اعضای آن باید طرحی را برای پیشگیری از اشاعه غنی‌سازی و پردازش تسلیحات تحت نظارت ملی را ارائه کنند. درخصوص موضوع مهم سوخت هسته‌ای و معاهده منع تکثیر سلاحهای هسته‌ای (NPT) آمریکا باید پیشنهاد پرزیدنت بوش را مبنی بر اینکه شرکتهای فرآوری هسته‌ای نباید در غنی‌سازی اورانیوم یا فرآوری پلوتونیم در کشوری که تاکنون به آن دسترسی نداشته است، مشارکت نماید. ایالات متحده همچنین باید به این نکته توجه نماید که چه اقداماتی می‌تواند چشم‌انداز طرح آمریکا را تقویت نماید.

بدون یک سازمان ملل جدید و مؤثر، چالش بیشتر خواهد بود. سازمان ملل متحد برای مواجه شدن با چالشهای دنیایی بسیار متفاوت ایجاد شده بود. اینک نهادها، اختیارات و مکانیزمهای اصلاح شده و جدید، ضروری خواهد بود. چنانچه سازمان ملل بخواهد با چالشهای امروز مواجه شود این قبیل اصلاحات ضروری لازم است. سازمان ملل متحد با یک رئیس جمهور و یک کنگره متحد [در آمریکا] در مورد آمال و آرزوهای خود جهت پیشبرد منافع ملی ما می‌تواند با چالشهای جدید مواجه شده و اهداف عالی منشور را نیز اجابت نماید.

۹- تعریف تروریسم

مجمع عمومی سازمان ملل باید به سرعت برای ارائه تعریف تروریسم مطابق پیشنهاد هیئت تخصصی عالی مجمع عمومی و با تأیید دبیرکل سازمان ملل اقدام نماید. تعریف مجمع عمومی باید به انعقاد یک کنوانسیون جامع درخصوص تروریسم منجر شود. تعریف تروریسم باید شامل اعمال افراد یا سازمانهای نامنظم و نه ارتشها باشد، چرا که ارتشها تحت قواعد جنگی هستند و نیازی به قواعد اضافی ندارند.